روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۲۱۴ | سه‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۳ | ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۳:۰۶ |
غروب آفتاب: ۱۹:۳۲ | اذان مغرب: ۱۹:۵۰ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح فردا: ۰۵:۱۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۰ |

ارتباط با ولایت

س: آیا استفاده از نام ایلیا برای فرزند به عنوان یکی از تلفظ‌های اسم امام علی (ع) که می‌گویند نام انجیلی و توراتی این امام بزرگوار می‌باشد درست است؟

ج: اگر چه انتخاب چنین نامی جایز است ولی نام علی موضوعیت دارد.

انتشار خاطرات سردار سلیمانی از «نبرد فتح‌المبین» در نمایشگاه کتاب

عباس میرزایی ابراز امیدواری کرد کتاب «نبرد فتح‌المبین» شامل خاطرات سردار قاسم سلیمانی تا نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر و به مخاطبان عرضه شود.

نویسنده کتاب «نبردهای پیروز» درباره این اثر اظهار داشت: کتاب «نبردهای پیروز» حاصل مصاحبه با رزمندگان عملیات ثامن‌الائمه(ع) و طریق‌القدس توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

به گفته وی، سردار سلیمانی فرمانده سپاه در استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان بوده‌اند و در اکثر کتاب‌هایی که با این مضمون هستند نامی از ایشان وجود دارد.

میرزایی در ادامه به مخالفت سردار قاسم سلیمانی در راستای تدوین خاطرات اشاره کرد و دلایل آن را شخصی دانست و افزود: به این دلیل که آقای سلیمانی مخالف تدوین و تهیه یک کتاب مستقل هستند از این رو این خاطرات در چند کتاب گنجانده شده است، البته در ذهنم احساس می‌کنم این خاطرات در هشت کتاب قابل بیان باشد اما تاکنون تنها چهار کتاب تالیف شده است. این نویسنده تأکید کرد: «نبردهای پیروز»، «نبرد کرخه کور» دو کتاب منتشر شده از سوی انتشارات سوره مهر است، بخشی از خاطرات در این دو اثر آمده است، اما کتاب سومی نوشته شده که عنوان آن «نبرد فتح‌المبین» نام دارد، این اثر در اختیار سردار سلیمانی قرار دارد تا مطالعه کنند و ویرایش نهایی صورت گیرد. کتاب دیگر با عنوان «نبرد بیت‌المقدس» که آن هم شامل خاطرات بوده که در دست تهیه است. وی با بیان اینکه برای آشنایی با این نبردها و سردار سلیمانی این کتاب‌ها مفید خواهند بود، یادآوری کرد: اغلب زمان خاطره‌نویسی با هماهنگی انجام می‌شود و تألیف و ثبت صورت می‌گیرد.

لازم است داستان‌هایمان را به روش دیگری تعریف کنیم

جامعه کتابخوان ایران سبدش را برای e-book خالی گذاشته است

گزارش یک
الناز خمامی‌زاده

سرانه مطالعه کتاب در ایران پایین است؛ این جمله هر چقدر هم که تکرار شود باز هم جنبه هشدار آمیز بودنش را از دست نمی‌دهد. مردم ما رغبت چندانی به خرید و مطالعه کتاب ندارند.

عوامل مختلفی دست به دست هم داده‌اند تا فرهنگ در دست گرفتن کتاب و کتابخوانی سنتی در کشورمان کمرنگ شود اما اردیبهشت ماه و زمان برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که فرا می‌رسد سیل جمعیت مشتاق ملاقات با تازه‌های نشر راهی مصلی می‌شوند و باز هم پای یک معمای عجیب به میان می‌آید که اگر مردم رغبتی به مطالعه کتاب ندارند، چرا این نمایشگاه هر سال پر شورتر از سال قبل با سیل عظیم جمعیت بازدیدکنندگان مواجه می‌شود؛ جمعیتی که غالب آنها دست خالی از نمایشگاه خارج می‌شوند؛ معمایی که شاید رمزش تغییر ذائقه برخی خوانندگان کتاب از سنت به دیجیتال باشد.

■ کلیشه‌های کاغذی صنعت کتاب ایران

مدت‌ها است که کتابفروشان و ناشران از وضعیت بد بازار فروش کتاب در کشور شکوه می‌کنند؛ برخی کتابفروشی‌ها تعطیل می‌شوند و نویسندگان با چالشی برای بقا با نان قلم و نویسندگی مواجه هستند. جمعیت نوجوان و جوان ترجیح می‌دهند که اوقاتشان را با تماشای تلویزیون سپری کنند تا آنکه بخواهند تورقی در کتاب کنند. عصر دیجیتال است و برخی می‌گویند که تکنولوژی بر فرهنگ سنتی چیره شده است؛ برخی دیگر می‌گویند که بعضی سنت‌ها جایگزین ندارند. این وضعیت همیشه نگران‌کننده بوده است اما دوباره دور هم جمع شدن ناشران ایران و جهان در نمایشگاه کتاب تهران که اردیبهشت ماه برپا می‌شود، همیشه بارقه امیدی بوده است برای پذیرفتن اینکه، بحرانی بودن وضعیت صنعت کتاب ایران یک داستان و کلیشه قدیمی بیش نیست. برخی مفسران عقیده دارند که صنعت چاپ و نشر امروز ایران دچار مشکل شده است. در کشورمان هنوز هیچ آماری به طور رسمی میزان علاقه‌مندی اقشار مختلف جامعه به کتاب را ارزیابی نکرده است؛ عموماً آماری که در این عرصه منتشر می‌شود، اعداد و ارقامی درباره سرانه مطالعه کتاب در کل کشور است؛ این آمار معمولاً به شکلی جزئی‌تر وارد ماجرا نمی‌شوند و برای مثال میزان رغبت رده‌های سنی مختلف جامعه ایران به کتاب را بررسی نمی‌کند اما آنچه از ظواهر امر پیداست، این است که لذت کتابخوانی سنتی نزد اقشار جوان جامعه ایران رو به کاهش است؛ در خیابان، مترو و حتی در خانه، نسل جوان کمتر با گرفتن کتاب در دست و مطالعه آن خو دارد.

■ ورود قطار دیجیتال به ریل نشر ایران

با وجود تمام آنچه درباره وضعیت بد اقتصاد کتاب در کشور گفته می‌شود، آنچه هنوز امید را نزد جامعه نشر و کتاب ایران زنده نگه می‌دارد این است که برخلاف بسیاری از صنایع خلاق که عموماً تکنولوژی و دیجیتال را رقیبی برای خود می‌پندارند، صنعت کتاب و نشر ایران سعی کرده است که در سال‌های گذشته با دنیای دیجیتال رقیب که نه بلکه عجین باشد. در سال گذشته نمایشگاه کتاب تهران عرصه‌ای برای تبلور حوزه کتاب‌های دیجیتال شد؛ در سال گذشته برخی ناشران شماری از آثار خود را در حوزه کتاب به صورت دیجیتال در نمایشگاه کتاب عرضه کردند. مفهوم کتاب دیجیتال دارد کم‌کم جای پای خود را در حوزه کتاب و نشر باز می‌کند. این حرکت تدریجی همزمان با یک حرکت جهانی است. سایت آمازون امروز یکی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین سایت‌های دیجیتال جهان است که آن را به عنوان منبع فروش کتاب‌های دیجیتال سرتاسر دنیا می‌شناسند. صنعت کتاب جهان اکنون در حال دست و پنجه نرم کردن با بزرگترین تحول خود از زمان اختراع چاپخانه‌های پیشرفته و سرعت بالا و نیز راه‌آهن است. صنعت کتاب در ایران و ذائقه مخاطبانش نیز از این تغییرات جهانی مستثنی نیست.

■ نسبت کمرنگ سیاستگذاران فرهنگی با نشر دیجیتال

اغراق نیست اگر بگوییم که امروزه جامعه ایران بخش عمده اوقات خود را در فضای دیجیتال سپری می‌کند و کتابخوانان ترجیح می‌دهند، محتویات دوست‌داشتنی خود را در همین فضا جست‌وجو کنند. هجوم مردم سرتاسر کشور به نمایشگاه کتاب سالانه تهران گواه علاقه‌مندی جامعه ما به کتاب است؛ مردمی که به نمایشگاه می‌آیند و با تازه‌های نشر آشنا می‌شوند. درست است که پیچیدگی‌های زندگی در عصر مدرن و غالب شدن زندگی دیجیتالی بر زندگی سنتی، آنها را از تورق در کتاب و کتابخوانی دور کرده اما شاید اگر حوزه نشر دیجیتال در نمایشگاه کتاب باشد، آنها دیگر دست خالی از این نمایشگاه خارج نشوند. در واقع کتاب‌های دیجیتالی شده برای آنها بهترین آورده فضای نشر و کتاب در دنیای دیجیتال است. خواسته یا ناخواسته این اتفاق در حال وقوع است؛ اینکه در آینده نزدیک از نظر فیزیکی با شمار کمتری از کتابفروشی‌ها در سطح شهر مواجه باشیم یک حقیقت ناراحت‌کننده است اما باید پذیرفت که رسانه‌های سنتی از جمله صفحات کتاب‌ها به تدریج در حال دادن جای خود به رسانه‌های دیجیتال هستند. اما در این جابه‌جایی آیا سیاستگذاران فرهنگی کشور آینده‌اندیشی لازم را کرده‌اند؟ آیا برای ذائقه‌ای که با سرعتی قابل توجه در حال پا گرفتن و رشد کردن است، تمهیدی در نظر گرفته شده و آیا آینده فرهنگی کشور فضای کافی و لازم را برای ظهور، رشد و پیشرفت نشر دیجیتال کتاب در نظر گرفته است؟

شاید باید گفت که پاسخ منفی است. برخلاف جریان پرشتاب فراگیر شدن اینترنت و استفاده از فضای مجازی آن در سرتاسر کشور شاید آنچه جای خالی‌اش در بحران کاهش کتابخوانی کشور به خوبی احساس می‌شود، توجه به پدیده جدید صنعت نشر دیجیتال کتاب در کشور است؛ همان طور که دنیای کتاب از وضعیت فروش و عرضه فیزیکی کتاب به سوی تبلیغ، جست و جو و فروش آنلاین کتاب پیش می‌رود، ناشران کشورمان نیز باید برای جلب توجه خوانندگان، خود را بر این حرکت جهانی منطبق کنند. دیجیتالی شدن صنعت نشر و کتاب یک چالش نیست بلکه این فرآیند تنها تغییر از یک روش به روشی دیگر است؛ روشی که در آن ناشر از طریق اینترنت مخاطبانش را از انتشار اثر بعدی خود باخبر می‌کند و از طریق اینترنت اثرش را تبلیغ و آن را می‌فروشد و عرضه می‌کند.

■ سنت یا دیجیتال؛ تجارت یکی است

با تمام این اوصاف هنوز که هنوز است، نشر سنتی و کتاب‌های کاغذی همچنان جایگاه خود را نزد برخی مخاطبان و کتابخوانان حرفه‌ای دارد و ناشرانی که هنوز پایبند به حفظ سنت هستند در رقابت با نشر دیجیتال نیاز به روش‌های تبلیغی گسترده‌تری دارند. باید خوانندگان خود و نیز پاتوق‌های آنها و علایق‌شان را بشناسند و بدانند که باید با چه زبانی با آنها سخن بگویند. ناشران سنتی نیاز به ارتباط مستقیم با خوانندگانشان دارند و در اینجا نیز باری دیگر پای فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی باز می‌شود. دنیا در حال پیشرفت با تکنولوژی است و گریز هر چه بیشتر از تکنولوژی و اصرار به پایبندی بر برخی سنت‌ها بار بیشتری را بر دوش می‌گذارد و خسارت‌های بیشتری را به بار می‌آورد؛ گذار از سنت به دیجیتال در عرصه نشر مانند این است که ما داستانمان را به روش دیگری برای مردم تعریف کنیم و به شیوه دیگری به آنها میوه فرهنگی بدهیم. ما داستان‌های‌مان را به روش‌های مختلفی برای مردم تعریف می‌کنیم؛ از طریق کتاب‌ها، e-book ها یا کتاب‌های الکترونیک و دیجیتال یا برنامه‌های نرم‌افزاری یا حتی لباس‌ها. ما در حال توسعه دادن طیف گسترده‌تری از مالکیت‌های معنوی و بهره‌برداری از آن هستیم و اگرچه ممکن است ناشران سنتی به این تغییرات به مثابه خطری بزرگ بنگرند اما حقیقت این است که هسته مرکزی این تجارت یکسان است.

نما | حسین کشتکار

نقش کلیدی و استراتژیک جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در سال اقتصاد و فرهنگ

دیدگاه
محمد دیندار

در حالی که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش بار دیگر بر ضرورت جدی گرفتن مقوله فرهنگ تأکید نموده و سال ۹۳ را «سال اقتصاد و فرهنگ با مدیریت جهادی» نام نهادند تا دیگر هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند که فرهنگ اسلامی و بومی، کلید و زیربنای پیشرفت کشور می‌باشد؛ در همان حال خبر برگزاری سیزدهمین جشنواره فیلم مقاومت در سال جاری و انتخاب دبیر آن، خبری مبارک است؛ چراکه این جشنواره به واسطه نگاه و حیطه موضوعی خویش که در راستای ترویج فرهنگ مقاومت در ابعاد مختلف داخلی و بین‌المللی است، می‌تواند در صورت برگزاری جانانه و پرشکوه، تجلی‌گاه رهنمودهای مقام معظم رهبری و تأمین‌کننده بخش مهمی از دغدغه‌های تمامی هنرمندان دلسوز این کشور باشد که به دنبال جشنواره کاملاً ارزشی و بومی بوده و به دنبال فرش قرمزهای ظاهری دنیوی نیستند، بلکه به دنبال مسیر سرخ شهدایی هستند که برای عزت، استقلال و آبادانی این کشور دست از گوهرجان شسته و عزتی ابدی را برای ملت ایران در پهنه هستی رقم زدند.

جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت که در سال‌های اخیر و با احیای مجدد توسط بنیاد فرهنگی روایت، توانسته بارقه‌ای جدی از امید را در میان اهالی هنر و سینما و نیز جامعه ایثارگری کشور رقم بزند، طی دو دوره گذشته و در حالی که فرهنگ کشور از هر سو مورد حملات ضد فرهنگی غرب و جریانات انحرافی درون کشور قرار گرفته بود، توانست همچون پناهگاهی امیدبخش و امن دوباره جمع کثیری از دلسوزان هنرمند را گرد هم آورده تا با حمایت از آنها ریشه‌های فرهنگی این مرز و بوم را آبیاری نموده و درختی تنومند را پرورش دهد که در برابر تندبادها مقاوم و برای ملت بزرگ ایران و تمامی آزادیخواهان جهان سایه‌گستر باشد.

در این میان، بی‌شک امسال که سال اقتصاد و فرهنگ نام گرفته، انتظار برای مؤثرتر بودن و پر رونق بودن این جشنواره بسیار بیشتر از پیش می‌باشد که صد البته برآوردن چنین انتظاری نیاز به عوامل مختلفی دارد. از جمله این عوامل که می‌توان به آن اشاره نمود، مسئله مدیریت جشنواره می‌باشد.

خوشبختانه محمد خزاعی، دبیر جشنواره سیزدهمین جشنواره فیلم مقاومت طی دبیری دو دوره گذشته همین جشنواره و نیز دبیری جشنواره فیلم فجر و دیگر جشنواره‌های موضوعی نشان داده که از حیث مدیریتی کاملاً خبره و مسلط بر امور بوده و می‌تواند به دلیل کاریزمای خاصی که در میان اهالی هنر دارد، هنرمندان مختلفی را با سلایق و گرایش‌های مختلف گرد آورده تا ذیل نام ارزشمند دفاع مقدس، جلوه‌ای از وفاق ملی را در منظر داخلی و بین‌المللی رقم بزند.

از یاد نبرده‌ایم در حالی که در سال ۹۱ بسیاری از هنرمندان کشور دچار چندپارگی شده و حتی بخش مهمی از آنها با جشنواره فیلم فجر قهر کرده بودند، اما حضور حداکثری هنرمندان مختلف کشور در دوازدهمین جشنواره فیلم مقاومت که به دبیری خزاعی برگزار گردید، شکوهی از همدلی و همراهی تمامی اهالی فرهنگ و ادب را با ارزش‌های دفاع مقدس رقم زد تا جایی که جشنواره فیلم مقاومت به سمبل وفاق ملی و هنر ارزشی تبدیل گردید و حتی باعث بهت برخی رسانه‌ها و مهمانان خارجی شد. بی‌شک تدبیر دبیر این جشنواره در شکل‌گیری این وفاق، نقشی اساسی داشت که امید می‌رود در جشنواره پیش‌رو نیز چنین تدبیری تکرار گردد.

با این حال گذشته از بخش مدیریتی جشنواره که با حضور خزاعی از قوت حداکثری و مدیریتی جهادی برخوردار است، اما نباید فراموش کرد که مدیریت هر جشنواره‌ای نیاز به حمایت و امکاناتی متناسب با شأن و جایگاه آن جشنواره دارد که نباید از او دریغ شود.

در این خصوص با توجه به اینکه جشنواره فیلم مقاومت از لحاظ مضمونی و نیز از منظر ساختاری، جشنواره‌ای کاملاً منطبق با ارزش‌های انقلابی و ملی محسوب می‌شود و از نظر ساختاری نیز جشنواره کاملاً حرفه‌ای و در سطح بین‌المللی است، پس ضروری است که نگاه و حمایت از این جشنواره نیز به معنای واقعی کلمه ملی باشد و تمامی دستگاه‌های مهم فرهنگی، اجرایی و حتی سیاسی و اقتصادی کشور برای حمایت از این جشنواره پاپیش گذاشته تا شاهد عینی‌ترین، ارزشی‌ترین و بزرگترین حرکت فرهنگی و سینمایی کشور در سال ۹۳ در حوزه ایران و جهان باشیم؛ جشنواره‌ای که می‌تواند با معرفی آثار ارزشمند در حوزه سینمای مقاومت اعم از آثار حوزه سینمای انقلاب و دفاع مقدس، جهان اسلام، مقابله با تروریسم و جریانات تکفیری، انحرافی و استکباری، به نهضتی روشنگرانه در عرصه هنر تبدیل شود و در تولید اینگونه آثار نقشی مشوق ایفا کند.

در شرایطی که در چند سال اخیر برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس با برپایی جشنواره‌هایی پر زرق و برق و با حمایت جریانات سیاسی و سینمایی غرب، عملاً به محفلی جهت نمایش و حمایت از فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اسلامی تبدیل شده‌اند و در حالی که متأسفانه سال‌هاست برخی جشنواره‌های داخلی در قید و بند فرم‌گرایی محض یا روشنفکرنمایی و سیاه‌نمایی گرفتار آمده‌اند و در زمانه‌ای که دنیای غرب حتی تعارف و اداهای دیپلماتیک خود را در حوزه فرهنگ و هنر کنار گذاشته و همسر رئیس‌جمهور امریکا در پیامی مستقیم از کاخ سفید، فیلم ضعیف، سخیف و ضد ایرانی آرگو را که فاقد هرگونه ارزش هنری است و تنها به صرف سیاسی بودن و ضد ایرانی بودن، به عنوان بهترین فیلم اسکار انتخاب می‌کند و نشان می‌دهد که اتفاقاً غرب، سیاسی‌ترین برخورد را با مقوله هنر و سینما دارد؛ در نتیجه هرگونه کوتاهی در حمایت از جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، وادادن در برابر امپریالیسم فرهنگی و سیاسی غرب و از دست دادن خاکریزهای فرهنگی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد و هر گونه حمایت از این جشنواره ملی، بین‌المللی و انقلابی، جهادی فرهنگی برای ارتقای بنیه فرهنگی ایران اسلامی، جهان اسلام و حمایت از آرمان‌های خداجویانه، حق‌طلبانه و آزادیخواهان تمامی آزادگان جهان خواهد بود.

گزارش ۲
محمدصادق عابدینی

نقد فنی کتاب «جامعه شناسی ایران» جنجال به پا کرد

کپی‌کاری جلایی‌پور از کتاب جامعه‌شناس امریکایی

کتابی که با حمیدرضا جلایی‌پور (مؤلف و مترجم اول) و جمال محمدی (مؤلف و مترجم دوم) معرفی شد، دقیقاً حاوی ۵۰۰ صفحه مطلب است که از این ۵۰۰ صفحه، ۳۳۲ صفحه، یعنی، ۶۶/۴ درصد از کتاب نوشته و ویراسته «کرایج کالهون» است. دقیقاً دو سوم کتاب، نوشته کسی است که نامی از او در شناسنامه و روی جلد کتاب نیامده است، کرایج کالهون، جامعه شناس امریکایی است. مترجم تمام این بخش‌ها نیز دکتر جمال محمدی بوده که ایشان هم به عنوان مؤلف و مترجم دوم معرفی شده است. مشاهده می‌فرمایید که این نحو معرفی کتاب، دقیقاً هیچ تناسبی نه با تألیف و نه با ترجمه کتاب ندارد. کل آنچه عالی‌مقام دکتر حمید رضا جلایی‌پور در این کتاب نوشته‌اند، ۴۲ صفحه، معادل ۸/۴ درصد است که آن هم حاوی تبحر نگارنده در تحلیل نظری نیست و جالب آنکه محتوای این ۲۸ صفحه، در همین کتاب اخیر، با عنوان «جامعه‌شناسی ایران» به مخاطبان ارائه شده است.

این متن بخشی از نقد فنی است که دکتر حامد حاجی حیدری بر کتاب «جامعه شناسی ایران، جامعه کژ مدرن» منتشر کرده است. دکتر حاجی حیدری در نقدی بلند و چند قسمتی به بخش‌های مختلف کتاب جلایی‌پور اشاره کرده و ایرادات فراوانی را بر آن وارد کرده است.

«کتاب جامعه‌شناسی ایران» سال گذشته توسط نشر علم به بازار آمد. کتابی که مدت‌ها بود در دولت دهم منتظر دریافت مجوز نشر بود اما به رغم تلاش ناشر و نویسنده این اتفاق رخ نداد تا اینکه دولت یازدهم به آن مجوز داد. خبر انتشار کتاب توسط جلایی‌پور که در اتفاقات سال ۸۸ حضور فعالی داشت و به عنوان یکی از فعالان فتنه شناخته می‌شود، اعتراضات فراوانی را به همراه داشت اما این اعتراضات نتوانست مانع از انتشار کتاب شود. در آن زمان انتشار بخش‌هایی از کتاب که حاوی مطالبی توهین‌آمیز علیه جامعه ایرانی و انقلاب اسلامی بود، نشان داد که اعتراض‌ها نسبت به آنچه جلایی‌پور منتشر کرده چندان بی‌ربط نبوده است. به طور مثال جلایی‌پور در کتابش می‌نویسد: «انقلاب مشروطه به ظهور دیکتاتوری رضاشاه منجر شد، نهضت ملی نفت ایران به کودتای ۲۸ مرداد و سلطه همه‌جانبه ساواک منتهی شد، انقلاب عظیم اسلامی به قدرت گرفتن طرفداران تئوکراسی [حاکمیت دینی] راه داد و جنبش اصلاحی و مدنی دوم خرداد با ممانعت دولت پنهان و تحریم و تخلفات آشکار انتخاباتی روبه رو شد. اعتراضات جمعی پس از انتخابات خرداد ۸۸ با برخورد شدید مأموران حکومتی مواجه شد.» اما با وجود همه این انتقادات جلایی پور در مقام دفاع از خود و از جایگاه علمی یک جامعه‌شناس گفت: «متأسفانه در کشور ما عده‌ای کارشان فقط تخطئه کارهای علمی دیگران شده، در صورتی که نیکو این است که علمشان را به کار ببرند و درباره جامعه ایران حرف روشنی بزنند تا مشخص شود حرف‌شان چیست.»

اما این بار اتفاق جالبی رخ داده گویا کسی به این حرف جلایی پور گوش داده و به جای تخطئه کارهای علمی دیگران، علمش را به کار گرفته است و کتاب جلایی پور را نقد فنی کرده است تا دیگر جای گله و شکایت نویسنده درباره کار علمی اش! باقی نماند. دکتر حامد حاجی حیدری در بررسی کتاب «جامعه شناسی ایران» می‌گوید: کل آنچه دکتر حمید رضا جلایی پور در این کتاب نوشته‌اند، ۴۲ صفحه، معادل ۴/۸ درصد است که آن هم حاوی تبحر نگارنده در تحلیل نظری نیست و جالب آنکه محتوای این ۲۸ صفحه، در همین کتاب اخیر، با عنوان «جامعه شناسی ایران»، به مخاطبان ارائه شده است. از این ۴۲ صفحه، ۲۸ صفحه، به مباحث کلی از قبیل اهمیت استعمال نظریه پرداخته شده است و ۱۴ صفحه پایانی کتاب هم به آسیب‌شناسی جامعه ایران و موضوع اعتیاد پرداخته است. در مجموع این کتاب ۹ نویسنده دارد که سهم هر یک به این شرح است: کرایج کالهون (۳۳۲ صفحه از ۵۰۰ صفحه، ۶۶/۴ درصد)، تونی بیلتن (۳۴ صفحه، ۶/۸ درصد)، آنتونی گیدنز (۲۵ صفحه، ۵ درصد)، جاناتان ترنر (۲۵ صفحه، ۵ درصد)، کریس جنکس (۲۲ صفحه، ۴/۴ درصد)، و جفری الکزندر و «محمد» رضا جلایی‌پور (۲۰ صفحه، ۴ درصد). دکتر «حمید» رضا جلایی‌پور تنها ۲۸ صفحه، معادل ۸/۴ درصد از کتاب را نگارش فرموده‌اند. همین.

این پژوهشگر در بخشی از نقد کتاب جلایی‌پور می‌نویسد: این کتاب، یادداشت‌های روزنامه‌نگارانه منقطعی، حاوی بلند بلند تصور کردن مؤلف محترم، به منظور نافرجام فهم مسائل سیاسی ایران از یک دیدگاه متعصبانه اصلاح‌طلبانه است که به لحاظ مفهومی آشفته، به لحاظ مستندات نارسا، به لحاظ نظری یکسره فارغ بال، به لحاظ روشی «بی‌روش»، و به لحاظ زمانه، تاریخ گذشته است. هم اکنون نقد دکتر حاجی حیدری درباره کتاب جلایی پور به طور مفصل در سایت‌های اینترنتی چون پایگاه علوم اجتماعی اسلامی ایرانی قابل دسترسی است.

یادمان

با موضوع زندگی شهید شهریاری

مستند «مجید، فرزند ایران» از شبکه شما پخش می‌شود

مستند مجید فرزند ایران به مناسبت فرا رسیدن روز ملی فناوری صلح آمیز در خصوص زندگی شهید شهریاری از شبکه سراسری شما پخش می‌شود.

به گزارش فارس، «مجید فرزند ایران» مستند زندگی شهید دکتر مجید شهریاری ۱۹ فروردین ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه شما می‌رود. این مستند که در ۵۲ دقیقه تهیه شده است به زندگی و ابعاد شخصیتی و علمی شهید هسته‌ای ایران مجید شهریاری می‌پردازد. معرفی دانشمندان هسته‌ای و تلاش آنها برای استقلال علمی ایران هدف این مستند است، بی‌تردید ۲۰ فروردین، یادآور روز ملی فناوری هسته‌ای و اعلام بومی شدن دانش هسته‌ای در ایران اسلامی و مجهز شدن سرزمین ایران به انرژی هسته‌ای و در واقع روز بزرگ تحقق شعار «ما می‌توانیم» است. دانشمند هسته‌ای ایران دکتر شهید مجید شهریاری ۸ آذر ماه سال ۸۹ به دست منافقان کوردل در عملیات تروریستی در تهران به شهادت رسید.

نکته
مصطفی شاه کرمی

طلوع نور مخاطب در سالن‌های تاریک با انتقال ۷۲ سالن به حوزه هنری

سال گذشته رهبر معظم انقلاب دستور دادند ۲۷ سینما که در اختیار بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و کمیته امداد امام خمینی(ره) قرار داشت، مدیریت‌شان به حوزه هنری منتقل شود. ظاهر امر حکایت از این موضوع دارد که روند جریان این واگذاری در حال انجام است؛ اما آنچه مورد نظر نگارنده است فضای جدید و بالا رفتن تعداد سالن‌های نمایش فیلم(سینما) در سراسر کشور است که به لطف تدبیر مقام معظم رهبری و با مدیریت تازه حوزه هنری در حال تحقق و انجام است.

همیشه در کنار مباحث و پاسخ‌های مختلفی که ذیل سؤال چرا مخاطب سینماها نسبت به گذشته کمتر شده است و مردم دیگر همانند گذشته به جانب این مکان‌های فرهنگی اقبال ندارند، طرح گردیده؛ در کنار سطح نازل بسیاری از تولیدات سینمایی کشور، کمبود سالن، قدیمی و فرسوده بودن تجهیزات و فضای مبله هم یکی از مهم‌ترین محورها و مؤلفه‌های این عدم اقبال و التفات به حساب آمده است. به عنوان نمونه تفاوت دیدن و شنیدن تصاویر و صدای یک فیلم در یک سالن مجهز به سیستم‌های پیشرفته صوتی و تصویری، آنقدر زیاد است که فقط با تجربه چنین موضوعی می‌توان به عمق مسئله پی برد. اما امسال که با دستور مقام معظم رهبری سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامگذاری شده است، خبر تحویل ۲۷ سینما و سالنی که تا قبل از این بیشتر محلی برای برپایی همایش و... بوده‌اند؛ همانند بازگشت ضربان قلب یک پیکری است که تقریباً از آن به دلیل نوسان یا ایست ضربان، قطع امید شده است.

در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ دور از پایتخت معمولاً تک سالن‌هایی به اسم سینما وجود دارند که در صورت تجمیع تمام توان قادر به نمایش یک یا دو فیلم هستند. دلیل عمده و اصلی آن هم کمبود یا نداشتن سالن نمایش مناسب بوده و هست. دقیقاً عکس این قضیه را در شهر بزرگی مثل تهران که به لطف پایتخت بودن از نعمت «پردیس»های سینمایی متعدد برخوردار است، قابل رصد و احصا می‌باشد. چه اینکه مخاطب به راحتی می‌تواند فیلم و ژانر سینمایی مورد علاقه‌اش را از میان چندین فیلم سینمایی در حال اکران انتخاب کرده و با بهترین کیفیت صوت و تصویر به تماشای آن بپردازد.

حال با تدبیر مقام معظم رهبری که به حق نشان داده‌اند بیش از هر مسئول فرهنگی بر حوزه فرهنگ تسلط و احاطه دارند، حوزه هنری با احیا و تجهیز مناسب این ۲۷ سالنی که در اختیار خواهد گرفت؛ جشن حضور مخاطب را به یمن و مدد هرم نفس‌های آنان از خزانی سرد و زرد به گرمایی بهاری و لذت‌بخش تبدیل سازد. چه اینکه بدیهی است که مخاطب در مواجهه با انتخاب تماشای یک فیلم حتی در منزلش با یک سیستم معمولی یا تماشای همان فیلم در یک سالن آراسته و درخور شأن با بهترین و بالاترین تکنولوژی صوت و تصویر، راهی به جز انتخاب فضایی هیجانی و زیباتر - که همان سالن‌های مجهز و احیا شده هستند- نخواهد داشت.

این تعدد و تکثر متناسب و البته ان‌شاءالله متقارن سالن‌های سینما در سراسر کشور یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد تولیدات و آثار سینمایی خواهد بود. چه اینکه با این کار مخاطب به دنبال آثار و فیلم‌هایی می‌گردد که قدرت جذب مخاطب را به جهت محتوایی و ساختاری داشته باشند، نه فیلم‌های آپارتمانی و دختر پسری که حتی ارزش دیدن در منزل را هم ندارند. با این منظرگاه جای امیدواری است که با همت و غیرت، عزم ملی و مدیریت جهادی مسئولان حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی که مورد مطالبه رهبری و آحاد مردم فرهنگ دوست و فرهنگساز جامعه اسلامی‌مان هست؛ هر چه زودتر شاهد شکوفه دادن سالن‌های خالی از مخاطبان باشیم.